

بیاد دارم، سالها قبل در دبیرستان، ایام امتحانات، برنامه امتحانی ام را اعلام کرده بودند تا اینکه من بر اساس آن برنامه ای تنظیم، و شروع به درس خواندن نمودم.

از خاطرم نمی رود، برنامه ام برای روز دوشنبه امتحان جغرافیا را نشان می داد. حقیر با جدیت تمام و سعی فراوان خط به خط کتابم را حفظ کرده بودم. واقعا خنده دار است، حتی به کمک قهوه خوردن شب را نخوابیده، فقط درس می خواندم و درس، به شکلی که از خودم فقط انتظار نمره بیست داشتم و هرگز نمره کمتر من را راضی نمی کرد.

تا اینکه روز دوشنبه برای امتحان، به مدرسه که رفتم متوجه شدم عجب فاجعه ی دردناکی رخ داده است، چرا که بچه های مدرسه همگی کتاب معارف اسلامی دستشان بود و به سختی مشغول مطالعه بودند.

آن روز متوجه شدم تنها من برنامه امتحانی ام را اشتباه یادداشت کرده و جغرافیا خوانده ام. از خاطرم نمی رود که من فقط یک ساعت قبل از امتحان به مدرسه رفته بودم و زمانی که جریان را متوجه شدم آنقدر متحیر و سرگردان بودم که حتی نتوانستم از همان یک ساعت هم درست استفاده کنم.

تا اینکه درس معارف اسلامی را نمره نیاوردم.

با خودم می گفتم، آخر چرا هزار مرتبه بزرگترهای ما به ما گفته اند که درس بخوان، ولی یکبار نگفتند برنامه امتحانیت را با دقت یادداشت کن.

عزیز:

ما در غالب موارد برنامه هایمان را اشتباه یادداشت کرده ایم. پس گرچه بدون لحظه ای آرامش سعی تمام میکنیم، ولی مردودیم.

ما مردودی بخاطر تنبلی را خوب می شناسیم و مراقب هستیم. گاهی تنبل ها را هم سرزنش می کنیم. اما دریغ که چه بسا خود مان نه تنها جزء مردودین، که جزء غافلین هم باشیم.

پروردگارا، ای رحمان و رحیم، به کرمت ما را قبل از فوت فرصت ها به اشتباه هایمان آگاه مان فرما که
فردا را قطعاً برگشتی نخواهد بود.